





آموزش زبان آلمانی

نوشته‌ی پائولینا کریستنسن، آن فاکس، وندی فاستر
برگردان: شادی حسن‌پور

for
dummies[®]
A Wiley Brand

ترجمه و چاپ در ایران، تحت امتیاز
انتشارات وایلی توسط انتشارات آوند دانش

WILEY



آوند دانش

سرشناسه: کریستنسن، پائولینا؛ Christensen, Paulina
عنوان و نام پدیدآور: آموزش زبان آلمانی For Dummies / نوشته‌ی پائولینا کریستنسن، آن فاکس، وندی فاستر؛ برگردان شادی حسن‌پور؛ ویراستار مینا وحیدپورنسی.
مشخصات نشر: تهران: آوند دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۱-۴۰-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: German For Dummies, 2011.
موضوع: زبان آلمانی -- مکالمه و جمله‌سازی -- فارسی
موضوع: German language -- Conversation and phrase books -- Persian
موضوع: زبان آلمانی -- خودآموز
موضوع: German language -- Self-instruction
شناسه‌ی افزوده: فاکس، آن
شناسه‌ی افزوده: (Fox, Anne (Language teacher)
شناسه‌ی افزوده: فاستر، وندی
شناسه‌ی افزوده: Foster, Wendy
شناسه‌ی افزوده: حسن‌پور، شادی، ۱۳۶۹-، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ک ۴۴ الف / ۳۱۲۹ PE
رده‌بندی دیویی: ۴۴۳/۲۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۶۲۹۵۰۲



آوند دانش

آموزش زبان آلمانی

نوشته‌ی پائولینا کریستنسن، آن فاکس، وندی فاستر
ویراستار: مینا وحیدپورنسی
طراحی گرافیک: استودیو آوند دانش
تاریخ انتشار: سال ۱۴۰۳ - چاپ سوم
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ مهرنقش
نشانی مرکز پخش: میدان انقلاب، جمارزاده شمالی، کوچه دعوتی، پلاک ۱۲. تلفن: ۶۶۹۰۹۵۰۳
تارنما: www.fordummies.ir , www.avandbook.ir
اینستاگرام: @dummiesir
کلیه‌ی حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است

محدودیت مسئولیت / سلب مسئولیت از ایجاد ضمانت: هیچ مسئولیت یا ضمانتی متوجه ناشر یا نویسنده در قبال دقت یا کامل بودن متن این اثر نیست و صریحاً از تمامی ضمانت‌ها، شامل و نه محدود به، ضمانت مناسب بودن برای هدفی خاص، سلب مسئولیت می‌کنند. به واسطه‌ی فروش یا مواد تبلیغاتی هیچ ضمانتی ایجاد نخواهد شد یا تعمیم نخواهد یافت. توصیه‌ها و راهکارهای ارائه‌شده در این اثر ممکن است برای هر موقعیتی مناسب نباشند. این اثر با استناد بر این تفاهم فروخته می‌شود که ناشر درگیر هیچ‌گونه کار حقوقی، حسابداری یا هرگونه خدمات حرفه‌ای دیگر نمی‌شود. چنانچه مشاوره‌ی حرفه‌ای مورد نیاز باشد، از خدمات یک فرد حرفه‌ای باید بهره گرفته شود. نه ناشر و نه نویسنده نباید در قبال صدماتی که از این ناحیه حادث می‌گردد مسئول باشند. این مطلب که به سازمانی یا وبسایتی در این اثر ارجاع داده و/ یا به‌عنوان منبع احتمالی اطلاعاتی بیشتر معرفی می‌شود نباید به‌منزله‌ی آن باشد که ناشر یا نویسنده اطلاعات یا توصیه‌هایی را که سازمان یا وبسایت ارائه می‌کند صحت می‌گذارد. علاوه بر این، خوانندگان باید از این مطلب آگاه باشند که وبسایت‌های اینترنتی که در این اثر فهرست شده‌اند ممکن است در حدفاصلی که این اثر نوشته شده است از زمانی که خوانده می‌شود، تغییر کنند یا محو شوند.

درباره‌ی نویسندگان

پائولینا کریستنسن ده‌ها سال به نگارش، ویرایش و ترجمه مشغول بوده است. او مدرک ادبیات انگلیسی و آلمانی دارد و کتابچه‌های درسی و کتاب‌های راهنمای معلم بسیاری را به زبان آلمانی برای انتشارات بین‌المللی برلیتز (Berlitz International) تألیف و ویرایش کرده است. او در حوزه‌های بسیار متنوعی ترجمه می‌کند که از هنرهای رسانه‌ای جدید تا کتاب‌های علمی تخیلی (مجله‌ی *Starlog*) را در بر می‌گیرد. خانم کریستنسن گاهی در جایگاه مترجم دادگاه نیز فعالیت می‌کند، در کنفرانس‌های آموزشی به مشاوره و ترجمه‌ی شفاهی می‌پردازد و صداگذاری‌های برخی از سی‌دی‌ها و ویدئوهای آموزشی را نیز انجام می‌دهد. دکتر کریستنسن مدرک کارشناسی ارشد و دکترای خود را از دانشگاه دوسلدورف آلمان دریافت کرده و در مدارس زبان مؤسسه‌ی برلیتز، دانشگاه نیویورک و دانشگاه فوردهام تدریس کرده است.

آن فاکس سال‌ها در جایگاه مترجم، ویراستار و نویسنده مشغول فعالیت بوده است. او در مدرسه‌ی عالی مترجمان زوریخ در سوئیس تحصیل کرده است و مدرک ترجمه دارد. همچنین در مدارس عالی زبان برلیتز تدریس کرده و در جایگاه مصحح فنی در دپارتمان‌های ویرایش چندین شرکت حقوقی مشغول به کار بوده است. خانم فاکس اخیراً در مؤسسه‌ی برلیتز مشغول تهیه، نگارش و ویرایش چند کتاب درسی برای دانش‌جویان و کتاب‌های راهنما برای معلمان بوده است.

وندی فاستر از مدت‌ها قبل در عرصه‌ی تدریس، نویسندگی، ویرایش و ترجمه فعالیت می‌کرده است. او از مؤسسه‌ی زبان و ترجمه‌ی مونیخ آلمان، مدرک زبان آلمانی دریافت کرده و دوره‌ی کارشناسی ارشد زبان فرانسه را در کالج میدلبری گذرانده است. همچنین مدرک تدریس زبان آلمانی و فرانسوی در مدارس عمومی را نیز دریافت کرده است. خانم فاستر به‌مدت دو سال در فرانسه مشغول تحصیل بود؛ سپس در شهر مونیخ آلمان ساکن شد و توانایی‌های مختلف خود در زمینه‌ی تدریس و نگارش را در مؤسسات گوناگونی از جمله، زیمنس، هایپوفراین بانک، اتاق بازرگانی مونیخ و چند انتشارات دیگر به کار گرفت.

برلیتز بیش از ۱۴۰ سال است که خدمات مربوط به آموزش زبان را با کیفیتی عالی عرضه می‌کند. این مؤسسه که بیش از چهارصد شعبه در پنجاه کشور مختلف دارد، طیف کاملی از خدمات را در حوزه‌ی زبان ارائه می‌کند: آموزش، تمرینات بینا فرهنگی، ترجمه‌ی مدارک، بومی‌سازی نرم‌افزار و خدمات ترجمه‌ی شفاهی.

مؤسسه‌ی برلینتز گستره‌ی وسیعی از کتاب‌های خودآموز، کتاب‌های زبان در سفر، فرهنگ اصطلاحات و فرهنگ لغات نیز منتشر می‌کند.

متد مشهور برلینتز، هسته‌ی اصلی آموزش زبان این مؤسسه به شمار می‌آید. از زمان معرفی این متد در سال ۱۸۷۸، میلیون‌ها نفر برای یادگیری زبان‌های مختلف از آن استفاده کرده‌اند.

فهرست مطالب در یک نگاه

۱	مقدمه
۷	بخش ۱: شروع به کار
۹	فصل ۱: چقدر زبان آلمانی می‌دانید
۲۳	فصل ۲: پایه‌ریزی: گرامر اولیه‌ی زبان آلمانی
۴۵	فصل ۳: آشنایی با تلفظ و اصطلاحات اساسی
۶۵	فصل ۴: اعداد، زمان و واحدهای اندازه‌گیری
۷۷	فصل ۵: صحبت کردن درباره‌ی خانه و خانواده
۸۷	بخش ۲: زبان آلمانی به صورت کاربردی
۸۹	فصل ۶: معرفی خودتان با گفت‌وگویی کوتاه
۱۰۹	فصل ۷: پرسیدن آدرس و پیدا کردن مسیر
۱۲۹	فصل ۸: بیرون غذاخوردن و رفتن به بازار
۱۵۵	فصل ۹: خرید کردن آسان شده است
۱۷۱	فصل ۱۰: گشت‌وگذار در شهر
۱۹۱	فصل ۱۱: کسب‌وکار و ارتباطات از راه دور
۲۱۱	فصل ۱۲: تفریحات و سرگرمی‌های بیرون از خانه
۲۳۱	بخش ۳: آلمانی در سفر
۲۳۳	فصل ۱۳: برنامه‌ریزی برای سفر
۲۴۳	فصل ۱۴: سروکار داشتن با پول در یک کشور خارجی
۲۵۳	فصل ۱۵: گشت‌وگذار با هواپیما، قطار، تاکسی و غیره
۲۷۳	فصل ۱۶: یافتن مکانی برای اقامت
۲۸۹	فصل ۱۷: رسیدگی به امور اورژانسی

بخش ۴: بخش ده تایی ها	۳۰۷
فصل ۱۸: ده روش برای یادگیری سریع زبان آلمانی	۳۰۹
فصل ۱۹: ده چیزی که هرگز نباید به زبان آلمانی بگویید	۳۱۳
فصل ۲۰: ده اصطلاح محبوب آلمانی	۳۱۹
فصل ۲۱: ده جمله‌ای که شما را آلمانی نشان می‌دهد	۳۲۳
بخش ۵: پیوست	۳۲۵
پیوست الف: فرهنگ لغت	۳۲۷
پیوست ب: جدول افعال	۳۴۹
پیوست ج: وبگاه	۳۶۱
پیوست د: پاسخ‌نامه	۳۶۳

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	درباره‌ی این کتاب
۲	قواعد رعایت‌شده در این کتاب
۳	تصویرات خنده‌دار
۴	ترتیب مطالب این کتاب
۴	بخش اول: شروع به کار
۴	بخش دوم: زبان آلمانی به صورت کاربردی
۵	بخش سوم: آلمانی در سفر
۵	بخش چهارم: بخش ده‌تایی‌ها
۵	بخش پنجم: پیوست
۵	نمادهای به کاررفته در این کتاب
۶	مقصد بعدی
۷	بخش ۱: شروع به کار
۹	فصل ۱: چقدر زبان آلمانی می‌دانید
۹	زبان آلمانی‌ای که می‌شناسید
۹	کلمات هم‌خانواده
۱۱	کلمات مشابه با املای متفاوت
۱۳	مترادف‌نماها!
۱۶	کلمات آلمانی وام‌گرفته‌شده
۲۰	اصطلاحات و عبارات پرکاربرد
۲۳	فصل ۲: پایه‌ریزی: گرامر اولیه‌ی زبان آلمانی
۲۴	شناخت اجزای کلام
۲۴	اسم‌ها
۲۶	حروف تعریف
۲۷	ضمایر
۲۷	صفات
۲۸	افعال
۲۹	قیدها

۳۰.....	ساخت جملات ساده	
۳۰.....	مرتب کردن صحیح کلمات در یک جمله	
۳۰.....	قراردادن فعل در جایگاه دوم	
۳۲.....	فرستادن فعل به انتهای جمله	
۳۲.....	ساخت جملات سؤالی	
۳۳.....	زمان‌ها: گذشته، حال و آینده	
۳۳.....	نگاهی به زمان حال	
۳۴.....	صحبت کردن درباره‌ی گذشته: زمان «حال کامل»	
۳۷.....	نوشتن درباره‌ی زمان گذشته: استفاده از زمان گذشته‌ی ساده‌ی افعال	
۳۷.....	صحبت کردن درباره‌ی آینده	
۳۸.....	انتخاب وجه مناسب	
۳۸.....	وجه‌های متفاوت	
۳۹.....	اهمیت وجوه مختلف	
۴۵.....	آشنایی با تلفظ و اصطلاحات اساسی	فصل ۳:
۴۵.....	دهان بسته: نکات اساسی تلفظ	
۴۶.....	«تکیه»ی کلمات در زبان آلمانی	
۴۶.....	الفبای آلمانی	
۴۷.....	تلفظ مصوت‌ها	
۴۸.....	تلفظ حروف ä, ö و ü	
۴۹.....	تلفظ مصوت‌های مرکب	
۵۰.....	تلفظ حروف صامت	
۵۲.....	تلفظ صامت‌های ترکیبی	
۵۳.....	خطاب قراردادن افراد به صورت رسمی و غیررسمی	
۵۴.....	گفتن «سلام»، «خداحافظ» و احوالپرسی کردن	
۵۵.....	احوالپرسی	
۵۶.....	پاسخ دادن به احوالپرسی	
۵۸.....	معرفی کردن خود و دوستان تان	
۵۸.....	معرفی کردن دوستان	
۵۹.....	معارفه‌هایی در شرایط خاص	
۶۰.....	معرفی کردن خودتان	
۶۵.....	اعداد، زمان و واحدهای اندازه‌گیری	فصل ۴:
۶۵.....	یادگیری اعداد	
۶۷.....	بیان زمان	

۶۷.....	سؤال کردن در مورد زمان	
۶۸.....	بیان زمان بر اساس سیستم ۱۲ ساعته	
۶۹.....	استفاده از سیستم ۲۴ ساعته	
۷۰.....	ساعات روز	
۷۰.....	روزهای هفته	
۷۲.....	نام گذاری ماه ها	
۷۳.....	اندازه گیری، مقدار و وزن	
۷۷.....	فصل ۵: صحبت کردن درباره ی خانه و خانواده	
۷۷.....	زندگی در آپارتمان یا خانه ی ویلایی	
۷۷.....	توصیف زندگی در چهار دیواری خانه	
۷۸.....	پرسیدن سؤالات مناسب	
۸۰.....	صحبت کردن درباره ی خانواده	
۸۷.....	بخش ۲: زبان آلمانی به صورت کاربردی	
۸۹.....	فصل ۶: معرفی خودتان با گفت و گویی کوتاه	
۸۹.....	صحبت کردن درباره ی خودتان	
۹۰.....	توصیف شغل	
۹۱.....	ارائه ی اسم و شماره تلفن	
۹۵.....	نگاهی به ضمائر ملکی	
۹۶.....	صحبت کردن درباره ی شهرها، کشورها و ملیت ها	
۹۶.....	صحبت در مورد زادگاهتان	
۹۷.....	استفاده از فعل بسیار مهم "sein"	
۹۸.....	از دیگران پرسید اهل کجا هستند	
۱۰۰.....	ملیت ها	
۱۰۱.....	صحبت کردن درباره ی زبان هایی که می دانید	
۱۰۴.....	گفت و گویی کوتاه درباره ی آب و هوا	
۱۰۴.....	صحبت کردن درباره ی آنچه بیرون از خانه رخ می دهد	
۱۰۵.....	گفت و گو درباره ی درجه حرارت	
۱۰۶.....	توصیف آب و هوای روز	
۱۰۹.....	فصل ۷: پرسیدن آدرس و پیدا کردن مسیر	
۱۰۹.....	پرسیدن مکان چیزی با "Wo?"	
۱۱۱.....	چقدر با محل مورد نظرتان فاصله دارید؟ سؤال کردن با "Wie weit?"	
۱۱۲.....	رفتن به اینجا و آنجا	

۱۱۳	سؤال کردن درباره‌ی رفتن به مکانی مشخص	
۱۱۴	استفاده از حرف اضافه‌ی "in" برای رفتن به یک مکان	
۱۱۵	استفاده از "nach" برای رفتن به یک شهر یا کشور	
۱۱۵	استفاده از "zu" رفتن به نهادها و مؤسسات	
۱۱۷	توصیف یک مکان یا جایگاه با توجه به مکانی دیگر	
۱۱۹	دانستن موقعیت خود با یادگیری چپ، راست، شمال و جنوب	
۱۱۹	چپ، راست، مستقیم	
۱۲۰	جهت‌های اصلی	
۱۲۱	رفتن از این خیابان یا آن خیابان	
۱۲۲	استفاده از اعداد ترتیبی: اول، دوم، سوم و ...	
۱۲۵	سفر با خودرو یا سایر وسایل نقلیه	
۱۲۹	بیرون غذاخوردن و رفتن به بازار	فصل ۸:
۱۲۹	Hast du Hunger? و Hast du Durst?	
۱۳۱	همه‌چیز درباره‌ی وعده‌های غذایی	
۱۳۲	چیدن میز برای یک وعده‌ی غذایی	
۱۳۲	بیرون غذاخوردن	
۱۳۳	تصمیم‌گیری درباره‌ی مکان صرف غذا	
۱۳۴	رزرو کردن	
۱۳۸	رسیدن و نشستن سر میز	
۱۳۹	رمزگشایی منو	
۱۴۴	سفارش دادن	
۱۴۴	استفاده از وجه التزامی برای بیان خواسته‌ها	
۱۴۶	استفاده از افعال کمکی وجه‌نما برای تغییر آنچه می‌گویید	
۱۴۷	سفارش دادن غذایی ویژه	
۱۴۸	پاسخ‌دادن به سؤال «چقدر غذایتان را دوست داشتید؟»	
۱۴۹	درخواست صورت‌حساب	
۱۵۰	خرید خوراکی	
۱۵۱	از کجا خرید کنید	
۱۵۱	یافتن آنچه می‌خواهید	
۱۵۵	خرید کردن آسان شده است	فصل ۹:
۱۵۵	مکان‌هایی برای خرید در سطح شهر	
۱۵۶	ساعت کار فروشگاه‌ها	
۱۵۷	پیدا کردن اقلام موردنظر در فروشگاه	

نگاهی به کالاها ببندازید	۱۵۸
کمک گرفتن حین خرید	۱۵۹
خرید لباس	۱۶۰
آشنایی با رنگ ها	۱۶۲
دانستن سایز خود	۱۶۳
پرو کردن لباس	۱۶۴
پرداخت هزینه	۱۶۷
مقایسه کردن اشیا با یکدیگر	۱۶۹
فصل ۱۰: گشت وگذار در شهر	۱۷۱
مایلید چه کاری انجام دهید؟	۱۷۱
رفتن به سینما	۱۷۲
تماشای فیلم	۱۷۲
خرید بلیت	۱۷۳
زمان گذشته‌ی ساده‌ی فعل "Sein"	۱۷۶
رفتن به موزه	۱۷۷
صحبت کردن درباره‌ی کارهایی که در گذشته انجام داده‌اید	۱۷۹
ساخت اسم مفعول	۱۷۹
استفاده از فعل "haben" در زمان‌های کامل	۱۸۱
استفاده از فعل "sein" در زمان گذشته‌ی کامل	۱۸۲
گردش‌های تفریحی	۱۸۴
چطور بود؟ صحبت کردن درباره‌ی تفریحات	۱۸۵
پرسیدن نظر دیگران	۱۸۵
بیان دیدگاه شخصی	۱۸۶
رفتن به مهمانی	۱۸۸
دعوت شدن به مهمانی	۱۸۸
صحبت کردن درباره‌ی مهمانی	۱۸۹
فصل ۱۱: کسب وکار و ارتباطات از راه دور	۱۹۱
تلفن زدن آسان شده است!	۱۹۱
شخص دیگری را پای تلفن خواستن	۱۹۲
برقراری ارتباط	۱۹۲
قرار ملاقات گذاشتن	۱۹۶
پیغام گذاشتن	۱۹۷
چند نکته درباره‌ی ضمائر داتیو (مفعولی غیرمستقیم)	۱۹۸

۱۹۹	ارسال پیام‌های مکتوب
۲۰۰	ارسال نامه یا کارت پستال
۲۰۲	ارسال ایمیل
۲۰۲	ارسال فکس
۲۰۴	آشنایی با محل کار
۲۰۵	لوازم و تجهیزات اداری
۲۰۶	کسب‌وکار به زبان آلمانی
۲۱۱	فصل ۱۲: تفریحات و سرگرمی‌های بیرون از خانه
۲۱۱	ورزش کردن
۲۱۱	بازی کردن با فعل "spielen"
۲۱۲	افعال ورزشی
۲۱۳	دعوت کردن کسی به بازی
۲۱۴	استفاده از افعال انعکاسی برای صحبت کردن درباره‌ی برنامه‌ها
۲۱۵	افعال انعکاسی انعطاف‌پذیر
۲۱۵	ساخت ضمائر آکوزاتیو و داتیو
۲۱۶	چند فعل انعکاسی رایج
۲۱۹	افعال انعکاسی انعطاف‌پذیر
۲۲۰	کشف دنیای بیرون از خانه
۲۲۰	بیرون رفتن
۲۲۰	آنچه بین راه می‌بینید
۲۲۳	رفتن به کوهستان
۲۲۵	رفتن به روستا
۲۲۷	رفتن به دریا
۲۳۱	بخش ۳: آلمانی در سفر
۲۳۳	فصل ۱۳: برنامه‌ریزی برای سفر
۲۳۳	کمک گرفتن از کارمندان آژانس مسافرتی
۲۳۶	برنامه‌ریزی از قبل: استفاده از زمان آینده
۲۳۷	توصیف رویدادها در ماه‌های بخصوص
۲۳۷	بیان زمان‌های بخصوص در ماه
۲۳۸	بررسی مجدد تاریخ‌ها
۲۳۹	گرفتن پاسپورت و ویزا
۲۳۹	پاسپورتی که از هر چیزی مهم‌تر است
۲۴۰	کسب اطلاعات درمورد ویزا

فصل ۱۴:	سروکارداشتن با پول در یک کشور خارجی	۲۴۳
تبدیل ارز	۲۴۳	
استفاده از دستگاه خودپرداز	۲۴۷	
حالت امری	۲۴۹	
شناخت یورو و سایر ارزها	۲۵۰	
فصل ۱۵:	گشت‌وگذار با هواپیما، قطار، تاکسی و غیره	۲۵۳
استفاده از زبان آلمانی در فرودگاه	۲۵۳	
گرفتن بلیت	۲۵۴	
ورود به هواپیما	۲۵۴	
بررسی مسئله‌ی مهاجرت	۲۵۷	
رفتن به بخش گمرک	۲۵۸	
مسافرت با خودرو	۲۵۹	
اجاره کردن خودرو	۲۵۹	
سردرآوردن از نقشه	۲۶۲	
آشنایی با علائم جاده‌ای	۲۶۲	
سوارقطارشدن	۲۶۳	
توضیح برنامه‌های زمان‌بندی قطار	۲۶۳	
کسب اطلاعات	۲۶۴	
خرید بلیت	۲۶۴	
افعال جداشدنی	۲۶۶	
استفاده از اتوبوس، مترو و تاکسی	۲۶۸	
سوارشدن به اتوبوس	۲۶۸	
گرفتن تاکسی	۲۷۰	
فصل ۱۶:	یافتن مکانی برای اقامت	۲۷۳
پیداکردن هتل	۲۷۳	
رزروکردن اتاق	۲۷۴	
بیان تاریخ و مدت اقامت	۲۷۵	
مشخص کردن نوع اتاق	۲۷۵	
سؤال کردن درباره‌ی قیمت	۲۷۶	
نهایی کردن رزرو	۲۷۷	
ورود به هتل	۲۷۹	
بیان مدت اقامت	۲۷۹	
پرکردن فرم پذیرش	۲۷۹	

۲۸۰	ورود به اتاق
۲۸۱	سؤال کردن در مورد امکانات و تسهیلات
۲۸۴	خروج از هتل و پرداخت صورت حساب
۲۸۴	درخواست صورت حساب
۲۸۵	چند درخواست کوچک
۲۸۹	فصل ۱۷: رسیدگی به امور اورژانسی
۲۸۹	درخواست کمک
۲۸۹	فریاد کمک
۲۹۰	گزارش دادن یک حادثه
۲۹۱	درخواست کمک به زبان انگلیسی
۲۹۱	کمک‌های پزشکی
۲۹۲	توصیف دلیل کسالت
۲۹۲	صحبت کردن درباره‌ی شرایط خاص
۲۹۴	معاینه شدن
۲۹۵	اعضای بدن
۲۹۶	تشخیص بیماری
۲۹۸	درمان
۳۰۰	صحبت کردن با پلیس
۳۰۱	توضیح دادن درباره‌ی چیزهای به سرقت رفته
۳۰۲	پاسخ دادن به سؤالات پلیس
۳۰۳	کمک گرفتن از قانون
۳۰۷	بخش ۴: بخش ده تایی‌ها
۳۰۹	فصل ۱۸: ده روش برای یادگیری سریع زبان آلمانی
۳۰۹	برچسب زدن به دنیای اطرافتان
۳۰۹	سازمان دهی اصطلاحات مفید
۳۱۰	نوشتن فهرست خرید
۳۱۰	فکر کردن به زبان آلمانی
۳۱۱	استفاده از سی‌دی‌های آموزشی و فایل‌های صوتی
۳۱۱	دیدن و شنیدن برنامه‌های تلویزیون و رادیوی آلمان
۳۱۲	امتحان کردن یک برنامه‌ی تعاملی آلمانی
۳۱۲	تماشای فیلم‌های آلمانی
۳۱۲	خواندن نشریات آلمانی
۳۱۲	خوردن غذاهای آلمانی

فصل ۱۹: ده چیزی که هرگز نباید به زبان آلمانی بگویید..... ۳۱۳

۳۱۳..... به کاربردن شکل صحیح خطاب کردن

۳۱۴..... صحیح خطاب کردن ارائه کنندگان خدمات

۳۱۴..... گرم یا سرد؟

۳۱۴..... من مست نیستم

۳۱۵..... صحبت کردن محترمانه درباره‌ی قانون

۳۱۵..... استفاده‌ی صحیح از واژه‌ی "Gymnasium"

۳۱۵..... آشنایی با شکل صحیح فعل «دانستن»

۳۱۶..... کم‌د یا سرویس بهداشتی؟

۳۱۶..... bekommen استفاده‌ی صحیح از فعل

۳۱۷..... استفاده درست از افعال مربوط به «خوردن»

فصل ۲۰: ده اصطلاح محبوب آلمانی..... ۳۱۹

۳۱۹..... Alles klar!

۳۱۹..... Wirklich

۳۱۹..... Kein Problem

۳۲۰..... Vielleicht

۳۲۰..... Doch

۳۲۰..... Unglaublich!

۳۲۰..... Hoffentlich

۳۲۰..... Wie schön!

۳۲۱..... Genau!

۳۲۱..... Stimmt's?

فصل ۲۱: ده جمله‌ای که شما را آلمانی نشان می‌دهد..... ۳۲۳

۳۲۳..... Schönes Wochenende!

۳۲۳..... Gehen wir!

۳۲۳..... Was ist los?

۳۲۳..... Das klingt gut!

۳۲۴..... Keine Ahnung

۳۲۴..... Es zieht!

۳۲۴..... Nicht zu fassen!

۳۲۴..... Du hast Recht! / Sie haben Recht!

۳۲۴..... Lass es!

۳۲۴..... Nicht schlecht!

۳۲۵	بخش ۵: پیوست
۳۲۷	پیوست الف: فرهنگ لغت
۳۴۹	پیوست ب: جدول افعال
۳۴۹	افعال باقاعده (بدون تغییر واکه‌ای ریشه‌ی فعل)
۳۵۰	صرف افعال خاص
۳۵۲	افعال بی‌قاعده و کمکی وجه‌نما
۳۶۱	پیوست ج: وبگاه
۳۶۱	فهرست نمونه‌های صوتی
۳۶۳	پیوست د: پاسخ‌نامه

ما در روزگار جالبی زندگی می‌کنیم؛ دوره‌ای که می‌توانیم با هر کسی در هر جای دنیا ارتباط برقرار کنیم. ما به‌مدد جهانی‌شدن و فناوری به‌تدریج با افراد بسیاری ارتباط برقرار می‌کنیم. در نتیجه، دانستن حداقل چند لغت به زبانی مانند آلمانی تبدیل به ابزاری بیش از پیش حیاتی شده است.

کنجکاوی ذاتی ما برای شناخت فرهنگ‌های دیگر تشویق‌مان می‌کند تا در وهله‌ی اول کشف کنیم یک روز معمولی در مناطق آلمانی‌زبان، یعنی آلمان، اتریش، سوئیس، تیrol جنوبی در شمال ایتالیا، لوکزامبورگ و لیختن‌اشتاین به چه شکل می‌گذرد. اداره‌کردن کسب‌وکارهای بین‌المللی در این بازار رقابتی نیازمند برقراری ارتباطات شخصی است؛ از این‌رو تاجران زیادی به کشورهایمانند آلمان که بزرگ‌ترین اقتصاد را در بین کشورهای اتحادیه‌ی اروپا دارد، سفر می‌کنند. از جنبه‌ی شخصی‌تر، شاید شما دوستان، خویشاوندان و همسایگانی داشته باشید که آلمانی حرف می‌زنند. شاید هم بخواهید با یادگیری زبانی که اجدادتان با آن صحبت می‌کرده‌اند، با میراث خود ارتباط برقرار کنید.

دلیل‌تان برای یادگیری زبان آلمانی هرچه باشد، کتاب *آموزش زبان آلمانی For Dummies* گزینه‌ای فوق‌العاده خواهد بود؛ چراکه مهارت‌هایی را به شما می‌آموزد که برای برقراری ارتباطات اولیه به زبان آلمانی به آن‌ها نیاز خواهید داشت. ما قول نمی‌دهیم پس از خواندن این کتاب، به زبان آلمانی مسلط شوید و آن را روان صحبت کنید؛ اما اگر می‌خواهید بدانید که چگونه باید با کسی سلام و احوالپرسی کنید، چگونه بلیت قطار بخريد یا غذایی را از روی یک منوی آلمانی انتخاب کنید، باید به مطالعه‌ی این کتاب بپردازید.

درباره‌ی این کتاب

آموزش زبان آلمانی For Dummies طوری طراحی شده که شما بتوانید هرطور که مایلید از آن استفاده کنید؛ چه به‌عنوان یک کتاب مرجع که در آن به‌دنبال پاسخ سؤالاتان درباره‌ی زبان آلمانی بگردید، چه به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب دانشی نظام‌مند در زمینه‌ی این زبان یا به‌صورت تفننی و لذت‌بردن از یادگیری زبانی دیگر. شاید هدف شما یادگیری کلمات و عباراتی باشد که در سفرتان به کشورهای آلمانی‌زبان به شما کمک کند. شاید هم فقط می‌خواهید به زبان آلمانی با همسایه‌تان سلام و احوالپرسی کنید. هر هدفی داشته باشید، می‌توانید با سرعت دلخواه خود پیش بروید و هر بار هرچقدر که می‌خواهید، از این کتاب بخوانید. نیازی نیست فصل‌های

این کتاب را به ترتیب بخوانید؛ می‌توانید بخش‌هایی را مطالعه کنید که بیشتر به آن‌ها علاقه‌مندید.

قواعد رعایت‌شده در این کتاب

برای اینکه بتوانید به‌سادگی از این کتاب استفاده کنید، چند قاعده مشخص کرده‌ایم:

- «اصطلاحات آلمانی با حروف درشت نوشته شده‌اند تا کاملاً متمایز باشند.
- «تلفظ اصطلاحات آلمانی پس از آن‌ها و داخل پرانتز و سیلاب‌های تکیه‌دار با حروف مایل نوشته شده‌اند.
- «ترجمه‌های فارسی با حروف مایل نوشته شده‌اند و می‌توانید آن‌ها را بعد از تلفظ اصطلاحات یا جملات آلمانی، داخل پرانتز بیابید.
- «صرف افعال (فهرست‌هایی که نشان‌دهنده‌ی اشکال یک فعل هستند) به ترتیب زیر در جداول آمده‌اند:

- اول شخص مفرد، «من»
- دوم شخص مفرد، «تو»
- سوم شخص مفرد، «او» (مذکر، مؤنث، خنثی)
- اول شخص جمع، «ما»
- دوم شخص جمع، «شما» (جمع مخاطب)
- دوم شخص جمع، «شما» (مفرد رسمی)
- سوم شخص جمع، «آن‌ها»

تلفظ کلمات در ستون دوم می‌آید. در نمونه‌ی زیر از فعل «بودن» استفاده شده است. صرف افعال از معادل آلمانی «من هستم»، «تو هستی» و ... شروع شده است.

صرف فعل

ich bin
du bist
Sie sind
er, sie, es ist
wir sind

تلفظ

iH bin
dooH bist
zee zint
êr, zee, ês ist
veer zint

صرف فعل

ihr seid
Sie sind
sie sind

تلفظ

eer zayt
zee zint
zee zint

با هدف کمک به شما برای پیشرفت سریع در یادگیری زبان آلمانی، بخش‌هایی در این کتاب گنجانده‌ایم که راهنمایی‌تان خواهند کرد:

«**بیایید کمی صحبت کنیم:** بهترین روش برای یادگیری یک زبان دیدن و شنیدن کلماتی است که در مکالمه به آن زبان به کار می‌رود. به همین دلیل مکالمه‌هایی در این کتاب گنجانده‌ایم. در این مکالمه‌ها که با عنوان «بیایید کمی صحبت کنیم» مشخص شده، کلمات آلمانی و تلفظ آن‌ها و معنای فارسی‌شان آمده است.

«**واژگان:** آموختن کلمات و عبارات کلیدی نیز در یادگیری یک زبان اهمیت دارد. به همین دلیل کلمات مهم را در بخش‌هایی با عنوان «واژگان» ذکر کرده‌ایم. **نکته:** زیر سیلاب‌های تکیه‌دار لغات در این بخش‌ها خط کشیده شده و با حروف مایل نشان داده نشده‌اند.

«**بازی و سرگرمی:** اگر می‌خواهید مهارت‌های زبانی خود را تقویت کنید، می‌توانید از بازی و سرگرمی برای تمرین آنچه آموخته‌اید، بهره بگیرید. این تمرین‌ها روش‌های جالبی برای بررسی میزان پیشرفتتان هستند.

همچنین توجه داشته باشید که هر زبان روش مخصوص خود را برای بیان ایده‌های مختلف دارد؛ بنابراین ترجمه‌ای که ما برای اصطلاحات ارائه کرده‌ایم شاید لزوماً ترجمه‌ی لغت‌به‌لغت نباشد. ما می‌خواهیم شما مفهوم کلی را درک کنید، نه معنای تک‌تک لغات را. برای مثال، جمله‌ی **Es geht** (ès geyt) را می‌توان به صورت لغت به لغت (آن می‌رود) معنا کرد، اما این جمله در واقع معادل، بسیار خب یا مشکلی ندارد است و شما نیز این ترجمه را خواهید دید.

تصورات خنده‌دار

ما برای نوشتن این کتاب چنین تصوراتی درمورد شما و هدفتان از خواندن این کتاب داشته‌ایم:

«**شما هیچ‌چیز از زبان آلمانی نمی‌دانید یا اگر در گذشته‌ی دور آلمانی خوانده‌اید، چیزی به جز Ja, Nein, Kindergarten, Guten Tag و auf Wiedersehen به خاطر ندارید.**»

« قصد شما در ابتدا این است که بتوانید به زبان آلمانی مکالمه کنید، نه اینکه بخوانید و بنویسید.

« قطعاً به دنبال کتابی خسته کننده و پر از قواعد دستورزبانی خشک نیستید که با تمرینات یکنواخت و کسل کننده، زبان آلمانی را در مغزتان فرو کند. فقط می خواهید برخی از کلمات کاربردی، عبارات و ساختارهای جملات را بدانید تا بتوانید اطلاعات ساده را به زبان آلمانی و با اعتماد به نفس منتقل کنید.

« شما هیچ علاقه ای به حفظ کردن فهرست های طولانی کلمات یا قواعد دستورزبانی خسته کننده ندارید.

« به زبان آلمانی علاقه مندید و دوست دارید هنگام یادگیری این زبان کمی هم تفریح کنید و خوش بگذرانید.

اگر هر کدام یا همه ی این تصورات در مورد شما صدق می کند، پس کتاب درستی را انتخاب کرده اید!

ترتیب مطالب این کتاب

تقسیم بندی این کتاب به صورت موضوعی است. به این ترتیب که ابتدا بخش بندی و سپس فصل بندی شده است. در ادامه می بینید که در هر بخش چه اطلاعاتی را می توانید بیابید.

بخش اول: شروع به کار

این بخش با ارائه ی چند قاعده ی اساسی در زبان آلمانی به شما کمک می کند آماده شوید؛ اینکه چگونه کلمات را تلفظ کنید، چگونه جمله سازی کنید و غیره. چندین اصطلاح ارزشمند و مفید، از جمله اصطلاحات مربوط به احوالپرسی و اعداد را خواهید آموخت. حتی تشویقتان می کنیم تا با یادآوری برخی از کلمات آلمانی که احتمالاً از قبل بلد بودید، اعتماد به نفستان را افزایش دهید. در نهایت به جمع بندی قواعد دستور زبان آلمانی می پردازیم که ممکن است برای مطالعه ی فصل های بعدی به آن ها نیاز پیدا کنید.

بخش دوم: زبان آلمانی به صورت کاربردی

در این بخش یادگیری و استفاده از زبان آلمانی را شروع می کنید. به جای تمرکز روی قواعد پایه ی دستور زبان آلمانی (مانند بسیاری از کتاب های آموزشی بی فایده و خسته کننده) این بخش بر ارتباطات کارآمد در موقعیت های روزمره مثل خرید کردن، آدرس پرسیدن، رفتن به موزه، شام خوردن، تلفن کردن و موارد مشابه تأکید می کند.

بخش سوم: آلمانی در سفر

این بخش ابزارهایی از زبان آلمانی را در اختیارتان قرار می‌دهد که در طول سفر برایتان مفید خواهد بود؛ چه بخواهید پולتان را تبدیل کنید، چه مکانی برای اقامت بیابید، برای مسافرت برنامه‌ریزی کنید یا از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنید. حتی فصلی هم به رسیدگی به امور اورژانسی اختصاص دارد.

بخش چهارم: بخش ده تایی‌ها

اگر به دنبال نکات کوتاه و ساده‌ای درباره‌ی زبان آلمانی می‌گردید، این بخش برای شماست. در این بخش می‌توانید ده روش برای یادگیری سریع زبان آلمانی، ده اصطلاح مفید آلمانی و مطالب مشابهی را بخوانید.

بخش پنجم: پیوست

این بخش از کتاب شامل اطلاعات مهمی است که می‌توانید از آن‌ها به عنوان مرجع استفاده کنید. پیوست الف یک فرهنگ لغت کوچک اما مفید دوزبانه است. اگر به کلمه‌ای آلمانی برخوردید که معنای آن را نمی‌دانید یا به دنبال کلمه‌ای خاص به زبان آلمانی می‌گردید، می‌توانید در این بخش آن را پیدا کنید. پیوست ب جدولی از اختیاراتان قرار می‌دهد که می‌توانید آن‌ها را برای صرف افعال باقاعده و بی‌قاعده به کار بگیرید. در پیوست ج، فهرست نمونه‌های صوتی آمده است تا به راحتی بتوانید مکالمه‌ها را پیدا کنید و گوش دهید. در نهایت، پیوست د شامل پاسخنامه‌ی فعالیت‌های بازی و سرگرمی همین کتاب است.

نمادهای به کاررفته در این کتاب

شاید هنگام مطالعه‌ی این کتاب بخواهید به دنبال اطلاعات خاصی بگردید. به منظور ساده‌سازی جست‌وجوی اطلاعات، نمادهایی در حاشیه‌ی سمت راست صفحات کتاب به کار رفته است:

این نماد نشان‌دهنده توصیه‌هایی است که می‌تواند یادگیری زبان آلمانی را ساده‌تر کند.



راهنمایی



به خاطر بسپارید

مطالب این نماد، اطلاعات جالبی است که نباید فراموش کنید.

در هر زبان نکاتی وجود دارد که ناآگاهی از آنها ممکن است برایتان دردسرساز شود. این نماد به نکات دستوری مهم اشاره می‌کند.



نکات دستوری

اگر به دنبال اطلاعات و توصیه‌هایی درباره‌ی فرهنگ و مسافرت هستید، به دنبال این نماد بگردید و به نکته‌های کوتاه و جالب آن درباره‌ی کشورهای آلمانی زبان توجه کنید.



ظرافت‌های فرهنگی

نمونه‌های صوتی به شما امکان می‌دهد به مکالمه‌ی گویشوران اصیل آلمانی گوش دهید تا درک بهتری از زبان آلمانی پیدا کنید. این نماد نشان‌دهنده‌ی مکالمه‌های بخش «بیابید کمی صحبت کنیم» است که می‌توانید در این آدرس به آن‌ها گوش دهید:



گوش دهید

fordummies.ir/go/german

مقصد بعدی

برای یادگیری یک زبان فقط و فقط باید دست به کار شوید و آن را امتحان کنید (از همان ابتدا نگران تلفظتان نباشید). پس دل به دریا بزنید! از ابتدا شروع کنید. فصلی را که برایتان جالب است، انتخاب کنید یا به چند مکالمه گوش دهید. خیلی زود می‌توانید در پاسخ به سؤال **Sprechen Sie Deutsch?** (*shprêH-en zee doych?*) (آیا آلمانی صحبت می‌کنید؟) پاسخ **“Ja!”** (yah) (بله) بدهید.

نکته: اگر تا پیش از این اصلاً با زبان آلمانی آشنا نبوده‌اید، بهتر است ابتدا فصل‌های بخش اول را بخوانید و سپس به سراغ فصل‌های بعدی بروید. بخش اول اصولی را توضیح می‌دهد که باید در مورد زبان بدانید؛ مانند چگونگی تلفظ صداها، مختلف، آشنایی با کلمات و اصطلاحات پایه و قواعد اساسی ساختار جملات آلمانی.



شروع به کار

در این بخش...

بالاخره باید از یک جایی شروع کنید؛ اما شرط می‌بندیم شما خیلی بیشتر از چیزی که فکرش را بکنید، آلمانی بلدید. این طور فکر نمی‌کنید؟ پس فصل ۱ را ببینید. فصل ۲ چند نکته‌ی کاربردی درباره‌ی دستور زبان در اختیارتان می‌گذارد که باید بدانید. اما نگران نباشید، نمی‌گذاریم به شما بد بگذرد! فصل‌های بعدی با ارائه‌ی اصطلاحات و کلماتی که می‌توانید به راحتی از آن‌ها استفاده کنید، مانند سلام و احوالپرسی، بیان اعداد، زمان، واحدهای اندازه‌گیری یا صحبت کردن درمورد خانواده به کارتان سرعت می‌بخشند. **Jetzt geht's los!** (yêst geyts lohs!) (بیایید شروع کنیم!)

« به رسمیت شناختن دانسته‌هایتان از زبان آلمانی

« شناسایی لغاتی با معنایی متفاوت از آنچه به نظر می‌رسند

« استفاده از اصطلاحات آلمانی

فصل ۱

چقدر زبان آلمانی می‌دانید

بهترین روش برای یادگیری یک زبان این است که سریع اقدام کنید. دست‌دست نکنید. در این فصل یادگیری زبان آلمانی را با چیزهایی شروع می‌کنید که از قبل بلد بودید. همچنین با برخی از اصطلاحات رایج زبان آلمانی و کلماتی که در زبان به‌عنوان «مترادف‌نما» شناخته می‌شود، آشنا خواهید شد؛ مترادف‌نماها لغات مشابهی در دو زبان هستند که در ظاهر باید معنای یکسانی داشته باشند، اما این طور نیست.

زبان آلمانی‌ای که می‌شناسید

از آنجا که هم انگلیسی و هم آلمانی از گروه زبان‌های ژرمانیک هستند، تعدادی لغات یکسان یا مشابه در هر دو زبان وجود دارد. کلماتی که منبع مشترکی دارند کلمات هم‌خانواده می‌نامند. گروه دیگری از کلمات مشترک در زبان‌های انگلیسی و آلمانی ریشه‌ی لاتین دارند که گویشوران انگلیسی با آن‌ها آشنا هستند. بسیاری از کلمات معادلی در زبان آلمانی دارند، مانند کلماتی که به "tion" ختم می‌شوند.

کلمات هم‌خانواده

کلماتی که در ادامه می‌آیند، درست مانند همتای انگلیسی خود نوشته می‌شوند و همان معنا را نیز دارند. تنها تفاوت‌هایی که وجود دارد، در تلفظ کلمات است (همان طور که در پرانتز می‌بینید) و اینکه اسم‌ها در زبان آلمانی همیشه با حروف بزرگ شروع می‌شوند. علاوه بر این، اسم‌ها در زبان آلمانی یا مذکر هستند یا مؤنث‌اند یا خنثی که به‌ترتیب با حروف تعریف **der** (مذکر)، **die** (مؤنث) و **das** (خنثی) نشان داده می‌شوند. برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی جنسیت و نکات کلیدی در مورد تلفظ

لغات این کتاب به ترتیب به فصل‌های ۲ و ۳ رجوع کنید. در برخی موارد، تلفظ آلمانی و انگلیسی لغات یکسان است.

- » **der Arm** (dêr ârm) (بازو)
- » **der Name** (dêr nah-me) (اسم)
- » **der Bandit** (dêr bân-deet) (دزد)
- » **die Nation** (dee nâ-tsee-ohn) (ملت)
- » **die Bank** (dee bânk) (بانک)
- » **normal** (nor-mahl) (طبیعی)
- » **die Basis** (dee bah-zis) (اساس)
- » **die Olive** (dee oh-lee-ve) (زیتون)
- » **blind** (blint) (نابینا)
- » **parallel** (pâr-â-leyl) (موازی)
- » **die Butter** (dee boot-er) (کره)
- » **das Problem** (dâs proh-bleym) (مشکل)
- » **digital** (di-gi-tâl) (دیجیتال)
- » **der Professor** (dêr professor) (استاد)
- » **elegant** (êl-ê-gânt) (جذاب)
- » **das Radio** (dâs rah-dee-oh) (رادیو)
- » **die Emotion** (dee ê-moh-tsee-ohn) (احساس)
- » **die Religion** (dee rey-li-gee-ohn) (دین)
- » **emotional** (ê-moh-tsee-oh-nahl) (احساسی)
- » **das Restaurant** (dâs rês-tuh-ron) (رستوران)
- » **der Finger** (dêr fing-er) (انگشت)
- » **die Rose** (dee roh-ze) (گل رز)
- » **die Hand** (dee hânt) (دست)
- » **der Service** (dêr ser-vis) (خدمت)
- » **das Hotel** (dâs hotel) (هتل)
- » **das Signal** (dâs zig-nahl) (نشانه)
- » **die Inspiration** (dee in-spi-râ-tsee-ohn) (الهام)

- » **der Sport** (dêr shport) (ورزش)
- » **international** (in-ter-nâ-tseeoh-nahl) (بین‌المللی)
- » **die Statue** (dee sh-tah-tooh-e) (مجسمه)
- » **irrational** (ir-râ-tsee-oh-nahl) (نامعقول)
- » **der Stress** (dêr shtrês) (استرس)
- » **legal** (ley-gahl) (قانونی)
- » **das System** (dâs zers-teym) (سیستم)
- » **liberal** (lee-bêr-ahl) (آزاداندیش)
- » **das Taxi** (dâs tâx-ee) (تاکسی)
- » **der Mast** (dêr mast) (دیرک)
- » **der Tiger** (dêr tee-ger) (ببر)
- » **die Mine** (dee meen-e) (معدن)
- » **tolerant** (to-lêr-ânt) (صبور)
- » **modern** (moh-dêrn) (مدرن)
- » **die Tradition** (dee trâ-di-tsee-ohn) (سنت)
- » **der Moment** (dêr moh-mênt) (لحظه)
- » **der Tunnel** (dêr toohn-el) (تونل)
- » **die Motivation** (dee moh-ti-vâ-tsee-ohn) (انگیزه)
- » **wild** (vilt) (وحشی)
- » **das Museum** (dâs mooh-zey-oohm) (موزه)
- » **der Wind** (dêr vint) (باد)

کلمات مشابه با املای متفاوت

بسیاری از لغات، مانند آن‌هایی که در جدول ۱-۱ آمده، املای تقریباً یکسانی در زبان‌های آلمانی و انگلیسی دارند و هم‌معنا نیز هستند. جدول ۱-۱ نکاتی درباره‌ی املای زبان آلمانی دارد که عبارت است از:

« حرف c انگلیسی در بیشتر لغات آلمانی k است.

« ou در کلمات انگلیسی‌ای مانند house یا mouse اغلب معادل au در کلمات آلمانی است.

« بسیاری از صفات انگلیسی که به *-ic* یا *-ical* ختم می‌شوند، در زبان آلمانی با *-isch* پایان می‌یابند.

« برخی از صفات انگلیسی که به *-y* ختم می‌شوند، در زبان آلمان با *-ig* پایان می‌یابند.

« برخی از اسم‌های انگلیسی که حرف پایانی‌شان *-y* است، در زبان آلمانی به *-ie* ختم می‌شوند.

جدول ۱-۱ کلماتی با معنای یکسان و املای کمی متفاوت

فارسی	انگلیسی	آلمانی
آدرس	address	die Adresse (dee ah-drēs-e)
جنبه	aspect	der Aspekt (dêr âs-pékt)
خرس	bear	der Bär (dêr bear)
بلوند	blond(e)	blond (blont)
بلوز	blouse	die Bluse (dee blooh-ze)
قهوه‌ای	brown	braun (brown)
دموکراسی	democracy	die Demokratie (dee dê-moh-krâ-tee)
مستقیم	direct	direkt (di-rékt)
پزشک	doctor	der Doktor (dêr dok-tohr)
عالی	excellent	exzellent (êx-tsel-ént)
عالی	fantastic	fantastisch (fân-tâs-tish)
شیشه	glass	das Glas (dâs glahs)
خانه	house	das Haus (dâs hous)
گرسنه	hungry	hungrig (hoong-riH)
صنعت	industry	die Industrie (dee in-doooh-stree)
قهوه	coffee	der Kaffee (dêr kâf-ey)
کمدی	comedy	die Komödie (dee koh-mer-dee-e)
وضعیت	condition	die Kondition (dee kon-di-tsee-ohn)
کنسرت	concert	das Konzert (dâs kon-tsêrt)
فرهنگ	culture	die Kultur (dee kool-tooohr)
منطقی	logical	logisch (loh-gish)
حکم	mandate	das Mandat (dâs mân-daht)
مرد	man	der Mann (dêr mân)
دستگاه، ماشین	machine	die Maschine (dee mâ-sheen-e)

فارسی	انگلیسی	آلمانی
موش	mouse	die Maus (dee mouse)
روش	method	die Methode (dee mê-toh-de)
تحرک	mobility	die Mobilität (dee moh-bi-li-tait)
موسیقی	music	die Musik (dee mooh-zeek)
ملیت	nationality	die Nationalität (dee nât-see-oh-nahl-i-tait)
طبیعت	nature	die Natur (dee nâ-toohr)
رسمی	official	offiziell (oh-fits-ee-êl) adj
اقیانوس	ocean	der Ozean (dêr oh-tsê-ân)
کاغذ	paper	das Papier (dâs pâ-peer)
پارلمان	parliament	das Parlament (dâs pâ-r-lâ-mênt)
کامل	perfect	perfekt (pêr-fêkt)
سیاسی	political	politisch (poh-li-tish)
احتمالی	potential	potenziell (po-tên-tsee-êl) adj
کاربردی	practical	praktisch (prâk-tish)
برنامه	program	das Programm (dâs proh-grâm)
نمک	salt	das Salz (dâs zâlts)
چک	check	der Scheck (dêr shêk)
آفتابی	sunny	sonnig (zon-iH)
سوپرمارکت	supermarket	der Supermarkt (dêr zooh-pêr-mârkt)
تلفن	telephone	das Telefon (dâs té-le-fohn)
نظریه	theory	die Theorie (dee tey-ohr-ee)
تراژدی	tragedy	die Tragödie (dee trà-ger-dee-e)
گردو	walnut	die Walnuss (dee vahl-noohs)

مترادف‌نماها!

زبان آلمانی هم مانند هر زبان دیگری لغاتی دارد که آن‌ها را با عنوان مترادف‌نماها می‌شناسیم. کلماتی که شباهت خیلی زیادی به همتای انگلیسی‌شان دارند اما معنایشان به‌طور کلی متفاوت است. همان‌طور که فهرست زیر را می‌خوانید، می‌توانید ببینید که چرا باید در مواجهه با کلمات آلمانی، به‌ویژه آن‌هایی که شبیه کلمه‌ای انگلیسی هستند، دقیق باشید و معنایش را بررسی کنید.

«**After** (ahf-ter): اگر می‌خواهید شرمنده نشوید، معنای این کلمه را به خاطر بسپارید. معنای آن در آلمانی نشیمنگاه است، نه بعد. معادل آلمانی بعد **nach** (nahH) یا **nachdem** (nahH-deym) است.

« **aktuell** (âk-tooh-êl): این کلمه به معنای به‌روز و فعلی است، نه در واقع. معادل آلمانی در واقع، **tatsächlich** (tât-sêH-liH) است.

« **also** (âl-zoh): این کلمه به معنای خب، بنابراین یا در نتیجه است، نه همچنین. معادل آلمانی همچنین **auch** (ouH) است.

« **bald** (bâlt): این کلمه به معنای زود است، نه توصیف شخصی که موهای کمی دارد یا کاملاً بی‌موس است. معادل آلمانی طاس **kahl** (kahl) یا **glatzköpfig** (glâts-kerpf-iH) است.

« **bekommen** (be-kom-en): این فعل مهمی است که باید یاد بگیرید. معنای آن گرفتن است نه تبدیل شدن. معادل آلمانی تبدیل شدن **werden** (vêr-den) است.

« **Boot** (boht): این کلمه به معنای قایق است نه چکمه که در زبان آلمانی می‌شود **Stiefel** (shteeF-el). قایق بادبانی **Segelboot** (zey-gêl-boht) است.

« **brav** (brahf): این کلمه به معنای خوش‌رفتار است نه شجاع. معادل آلمانی شجاع **tapfer** (tâp-fer) است.

« **Brief** (breef): این کلمه اسم است نه صفت و معنای آن نامه است نه خلاصه و کوتاه. خلاصه به زبان آلمانی وقتی صفت باشد، **kurz** (koorts) و وقتی اسم باشد **Auftrag** (ouf-trahk) یا **Unterlagen** (oon-ter-lah-gen) است.

« **Chef** (shêf): این کلمه‌ی آلمانی به معنای شخصی است که از او دستور می‌گیرید؛ یعنی رئیس یا ناظر، نه سرآشپز. معادل آلمانی سرآشپز **Küchenchef** یا **Chefkoch** (shêf-koH) است. آشپز ساده نیز **Koch** (koH) است.

« **eventuell** (ey-vên-tooh-êl): این لغت به معنای احتمالاً یا احتمالی است، نه در نهایت که معادل آن در آلمانی **schließlich** (shlees-liH) است.

« **fast** (fâst): این صفت به معنای تقریباً است، نه صفتی برای توصیف سرعت رانندگان مسابقات فرمول یک. معادل آلمانی سریع **schnell** (shnêl) یا **rasch** (râsh) است.

« **genial** (gê-nee-ahl): این صفت ایده یا شخصی را توصیف می‌کند که دارای نبوغ است و هیچ ارتباطی با سرزندگی ندارد. معادل آلمانی صفت سرزنده **heiter** (hay-ter) است.

« **Gift** (gift): معنای آلمانی این لغت سم است، بنابراین وقتی می‌خواهید هدیه‌ای به میزبان آلمانی‌زبان‌تان بدهید، باید بگویید که یک **Geschenk** (gê-shênk) برای او دارید، مگر آنکه واقعاً چیزی مثل سم علف‌کش یا مامبای سبز [نوعی مار سمی] برایش هدیه برده باشید.

« **Kind** (kint): این لغت آلمانی به معنای کودک است و هیچ ارتباطی با همتای انگلیسی خود به معنای مهربان ندارد. صفت مهربان را در آلمانی با **nett** (nêt) یا **liebenswert** (lee-bens-vuerd-iH) بیان می‌کنیم.

« **Komfort** (kom-fohr): این لغت به معنای امکانات است، مانند امکاناتی که از یک هتل پنج‌ستاره انتظار دارید، نه فعل دل‌گرمی‌دادن. معادل آلمانی این فعل **trösten** (trers-ten) است.

« **kurios** (koohr-ee-ohs): این کلمه به معنای عجیب است، نه کنجکاو. معادل آلمانی صفت کنجکاو **neugierig** (noy-geer-iH) است.

« **Mist** (mist): مراقب باشید از این کلمه به اشتباه استفاده نکنید. معنای این لغت در واقع کود است، نه رطوبت سنگینی که به باران شبیه است. معادل مه در زبان آلمانی **Nebel** (ney-bel) یا **Dunst** (doonst) است.

« **Most** (most): این کلمه‌ی آلمانی به معنای آب‌میوه‌ی تخمیرنشده و در مناطق جنوبی آلمانی‌زبان به معنای شراب میوه‌ی تازه است. معادل آلمانی کلمه‌ی بیشتر یا/غلب **das meiste** (dâs mays-te) است. مثلاً، **die meisten Leute** (die mays-ten loy-te) به معنای اغلب مردم.

« **ordinär** (or-di-nair): معنای این لغت مبتذل و جلف است، نه معمولی. معادل آلمانی معمولی **normal** (nor-mahl) یا **gewöhnlich** (ge-vern-liH) است.

« **pathetisch** (pâ-tey-tish): این یکی به معنای بیش از حد احساساتی است، نه رقت‌انگیز و حزن‌آور که در آلمانی با کلمات **jämmerlich** (yêm-er-liH) و **armselig** (ârm-zey-liH) بیان می‌شود.

« **plump** (ploomp): معنای آلمانی این لغت بی‌عرضه یا بی‌تدبیر است، نه تپل که در آلمانی با **rundlich** (roont-liH) بیان می‌شود.

« **Präservativ** (prê-zêr-vah-teeef): اگر بدانید که این کلمه در زبان آلمانی به معنای کاندوم است، دیگر هنگام استفاده از آن کاملاً حواستان را جمع می‌کنید تا خجالت‌زده نشوید. معادل آلمانی جلوگیری‌کننده یا محافظت‌کننده **Konservierungsmittel** (kon-sêr-yeer-oongs-mit-el) است.

« **Provision** (proh-vi-zee-ohn): معنای این کلمه کارمزد یا کمیسیون است، نه تأمین و تدارک. معادل آلمانی تأمین **Vorsorge** (fohr-zor-ge) یا **Versorgung** (fêr-zohrg-oong) است.

« **See** (zey): این کلمه به معنای دریایچه یا دریاست. فعل دیدن در زبان آلمانی **sehen** (zey-en) است.

« **sensibel** (zen-zee-bel): معنای این کلمه حساس است، نه معقول. معادل صفت معقول در زبان آلمانی **vernünftig** (fêr-nuenf-tiH) است.

« **sympathisch** (zerm-pah-tish): این کلمه به معنای دوست‌داشتنی است، نه دل‌سوز. واژه‌ی آلمانی معادل دل‌سوز و همدل **mitfühlend** (mit-fuel-ent) است.

کلمات آلمانی وام‌گرفته‌شده

زبان انگلیسی برخی از کلمات آلمانی را به عاریه گرفته و معنای آن‌ها را نیز حفظ کرده است؛ کلماتی مانند **Kindergarten** (kin-der-gâr-ten) مهدکودک، **Angst** (ânkst) ترس، **kaputt** (kâ-poot) خراب، **Ersatz** (êr-zats) جایگزین، **Sauerkraut** (zou-er-kroust) کلم‌ترشی، **Zeitgeist** (tsayt-gayst) ذهنیات یا روح زمان و **Wanderlust** (vân-der-loost) علاقه‌مند به سفر.

با این حال تعداد این لغات آلمانی در قیاس با تعداد کلمات انگلیسی که به زبان آلمانی راه پیدا کرده‌اند، بسیار اندک است. گاهی ترکیب زبان‌های انگلیسی و آلمانی باعث ایجاد برخی عجایب زبان‌شناختی می‌شود. برای مثال، ممکن است جملاتی مانند **das ist total in/out** (dâs ist toh-tahl in/out) (این کاملاً درست/غلط است) یا **Sie können den File downloaden** (zee kern-en deyn file doun-lohd-en) (شما می‌توانید فایل را دانلود کنید) را بشنوید.

در ادامه فهرستی از لغات آلمانی را می‌بینید که از زبان انگلیسی وام‌گرفته شده‌اند. توجه داشته باشید که همه‌ی آن‌ها درست مانند انگلیسی تلفظ می‌شوند. البته استثنای کوچکی هم وجود دارد: افعال وام‌گرفته‌شده همگی «آلمانیزه» شده‌اند؛ این یعنی آن‌ها ترکیبی از فعل انگلیسی (مثل **kill** «کشتن» یا **jog** «دویدن») و پسوند مصدرساز آلمانی **-en** هستند. اطلاعات بیشتر درباره‌ی مصدرهای آلمانی در فصل ۲ آمده است:

» **der Boss** (رئیس)

» **das Business** (کسب‌وکار)

- » **killen** (*to kill*) (کشتن)
- » **managen** (*to manage*) (مدیریت کردن)
- » **das Catering** (کیتترینگ)
- » **der Manager** (مدیر)
- » **die City** (در زبان آلمانی: مرکز شهر)
- » **das Marketing** (بازاریابی)
- » **der Computer** (رایانه)
- » **das Meeting** (جلسه، ملاقات)
- » **cool** (باحال)
- » **Okay** (بسیار خوب)
- » **das Design** (طراحی)
- » **online** (آنلاین)
- » **das Event** (همایش، برنامه)
- » **outsourcen** (*to outsource*) (برون سپاری)
- » **Fashion** (مُد، بدون حرف تعریف به کار می رود)
- » **die Party** (مهمانی)
- » **das Fast Food** (فست فود)
- » **pink** (صورتی)
- » **das Feeling** (احساسات)
- » **das Shopping** (خرید)
- » **flirten** (*to flirt*) (لاس زدن)
- » **die Shorts** (شلوارک)
- » **der Headhunter** (مشاور کاریاب)
- » **die Show/Talkshow** (برنامه ی تلویزیونی)
- » **Hi** (سلام)
- » **das Steak** (استیک)
- » **hip** (مفصل ران)
- » **surfen** (*to surf waves or the Internet*) (موج سواری/ جست و جو در اینترنت)
- » **der Hit** (پرفشار و داغ)

- » das Team (تیم)
- » das Hotel (هتل)
- » der Thriller (تریلر)
- » das Internet (اینترنت)
- » der Tourist (گردشگر)
- » das Interview (مصاحبه)
- » das T-Shirt (تی‌شرت)
- » der Jetlag (پرواززدگی)
- » der Workshop (کارگاه)
- » der Job (شغل)
- » Wow (اوه، وای!)
- » joggen (to jog) (آهسته‌دویدن)

تعدادی از اصطلاحات انگلیسی معنای متفاوتی در زبان آلمانی دارند؛ مثلاً کلمه‌ی **Evergreen** (همیشه‌سبز) به «ترانه‌ها و فیلم‌های قدیمی و کماکان پرطرفدار»، **Handy** (مفید) به «گوشی تلفن همراه»، **Mobbing** (ازدحام) به «قلدری و آزارواذیت»، **Oldtimer** (فرد باتجربه) به «خودروهای قدیمی که بین سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۳۰ ساخته شده‌اند» و **Wellness-Center** به «اسپا» اطلاق می‌شود.

بیایید کمی صحبت کنیم

مکالمه‌ی پیش رو را با لبخند بخوانید تا بدانید تعداد کلمات انگلیسی‌ای که وارد زبان آلمانی شده‌اند چقدر زیاد است. با این حال، احتمالاً این تعداد نمونه از ترکیب زبانی را در یک مکالمه نخواهید شنید. در این مکالمه، دو دوست به نام‌های کلودیا و یانا همدیگر را در خیابان ملاقات می‌کنند. توجه داشته باشید که برخی از اصطلاحات تفاوت معنایی اندکی در زبان آلمانی دارند.

- Claudia: **Hi Jana, wie geht's? Wie ist der neue Job?**
 Hi [تلفظ مانند انگلیسی] yâ-nâ, vee geyts? vee ist dêr
 noy-e job [تلفظ مانند انگلیسی]?
 کلودیا: سلام یانا، حالت چگونه؟ شغل جدیدت چگونه؟
- Jana: **Super! Heute war meine erste Presentation vor meinem big Boss, und er war total cool.**
 super [تلفظ مانند انگلیسی] hoy-te vahr mayn-e êrs-

te pre-zen-tât-see-ohn fohr mayn-êm big boss
[تلفظ: oont êr vahr toh-tahl cool, مانند انگلیسی]
[مانند انگلیسی].

یانا: عالی! امروز برای اولین بار کارم را در مقابل رئیس
ارائه دادم. او خیلی باحال و خون سرد بود.

Claudia: **Wow! In meinem Office gibt es nur Stress. Mein Boss kann nichts managen. Mein Kollege checkt nichts, und denkt, er ist ein Sonnyboy, und alle anderen spinnen.**

wow [تلفظ: مانند انگلیسی] in mayn-êm office
[تلفظ: gipt ês noohr shtrês. mayn
boss kân niHts mân-â-gen [تلفظ: g مانند انگلیسی].
mayn kol-ey-ge checkt niHts oont dênt êr ist
ayn sonny boy [تلفظ: مانند انگلیسی], oont âl-e ân-
der-en spin-en.

کلودیا: وای! در محل کار من هیچ چیز به جز استرس
نیست. رئیس هم هیچ چیز را نمی تواند مدیریت کند.
همکارم همکاری نمی کند و فکر می کند خودش خیلی
تحفه است و بقیه همه دیوانه اند!

Jana: **Ich gehe shoppen. Kommst du mit?**
iH gey-e shop-en. Komst dooh mit?

یانا: من می روم خرید. تو هم می آیی؟

Claudia: **Nein, danke. Gestern war ich in einem Outlet und habe ein T-Shirt in pink und eine Jeans im BoyfriendLook gekauft. Ich gehe jetzt joggen. Bye-bye!**

nayn, dân-ke. gês-têrn vahr iH in ayn-em outlet
[تلفظ: مانند انگلیسی] oont hah-be ayn T-shirt
[تلفظ: مانند انگلیسی] in pink [تلفظ: مانند انگلیسی]
[تلفظ: مانند انگلیسی] im boyfriend-look
ayn-e jeans [تلفظ: مانند انگلیسی] ge-kouft. iH gey-e yêtst jog-en
[تلفظ: مانند انگلیسی] jog [تلفظ: jog مانند انگلیسی]. bye-bye [تلفظ: مانند انگلیسی]

کلودیا: نه، ممنون. دیروز به یک فروشگاه حراجی رفتم
و یک تی شرت صورتی و یک شلوار جین مدل بوی فرند
(boyfriend) خریدم. الان می روم پیاده روی. خدا حافظ!

Jana: **Schade. Bye-bye!**
shah-de. bye-bye!

یانا: حیف شد. خدا حافظ!

اصطلاحات و عبارات پرکاربرد

زبان آلمانی هم درست مانند انگلیسی اصطلاحات زیادی دارد که مختص آن زبان و فرهنگ هستند. اگر این اصطلاحات را کلمه به کلمه ترجمه کنید، مبهم، احمقانه یا بی معنا به نظر می رسند؛ بنابراین باید بدانید این اصطلاحات دقیقاً چه معنایی دارند تا بتوانید به درستی از آنها استفاده کنید.

برخی از اصطلاحات ممکن است معادل انگلیسی و معنایی مشخص داشته باشند، پس بهتر است به استفاده از آنها عادت کنید. برای مثال، اصطلاح آلمانی **ein Fisch auf dem Trockenen** (ayn fish ouf deym trok-ên-en) به صورت تحت اللفظی، یک ماهی روی خشکی ترجمه می شود که به اصطلاح انگلیسی **a fish out of water** (تعلق نداشتن به محیطی جدید/ انس نگرفتن/ در جایی معذب بودن) شباهت دارد. از طرف دیگر، اگر بخواهید اصطلاح **Da liegt der Hund begraben** (da leekt dêr hoont be-grah-ben) را کلمه به کلمه معنا کنید، احتمالاً باید برای آن سگ بیچاره تأسف بخورید؛ چراکه ترجمه ی تحت اللفظی عبارت **آنجا جایی است که آن سگ دفن شده** با معنای واقعی آن، یعنی **نکته ی اصلی آنجاست**، کاملاً تفاوت دارد.

چند اصطلاح معمول در زبان آلمانی عبارت اند از:

Die Daumen drücken. (dee doum-en druek-en.)

(معنای تحت اللفظی: فشار دادن انگشت شست)

(معنای واقعی: برای کسی آرزوی موفقیت کردن)

Wo sich Fuchs und Hase gute Nacht sagen

(voh ziH fooks oont hah-ze gooh-te nâHt zah-gen)

(معنای تحت اللفظی: جایی که روباه و خرگوش به یکدیگر شب به خیر می گویند.)

(معنای واقعی: وسط ناکجا آباد)

Ich bin fix und fertig. (iH bin fix oont fêr-tiH.)

(معنای تحت اللفظی: من سریع و آماده ام.)

(معنای واقعی: من خسته ام.)

Du nimmst mich auf den Arm! (dooH nimst miH ouf deyn ârm!)

(معنای تحت اللفظی: تو مرا روی دستانت گرفته ای!)

(معنای واقعی: مرا دست انداخته ای! / به من دروغ می گویی!)

Das ist ein Katzensprung. (dâs ist ayn kâts-en-shproong.)

(معنای تحت‌اللفظی: این یک پرش گربه‌ای است.)

(معنای واقعی: این مسیری نسبتاً کوتاه است.)

Schlafen wie ein Murmeltier (shlâf-en vee ayn moor-mel-teer)

(معنای تحت‌اللفظی: مانند یک مارموت سوت‌زن [چونده‌ای از خانوادگی سنجاب])
(خوابیدن)

(معنای واقعی: خواب سنگین و عمیق)

غیر از این‌ها، اصطلاحات مفید و پرکاربرد دیگری نیز در زبان آلمانی وجود دارد که یادگیری‌شان ساده است. به برخی از آن‌ها توجه کنید:

Prima!/Klasse!/Toll! (pree-mah!/klâs-e!/tô!/) (عالی! فوق‌العاده!)

Fertig. (fêrt-iH.) (آماده! / تمام!) «هم به‌صورت سؤالی به کار می‌رود، هم خبری»

Quatsch! (qvâch!) (بی‌معنا! / حماقتانه!)

Einverstanden. (ayn-fêr-shtând-en.) (قبول! / باشه!)

Vielleicht. (fee-layHt.) (شاید)

Mach's gut. (vîrt ge-mâHt.) (خوش بگذرد!)

«روشی غیررسمی برای خدا/حافظی کردن»

Wie, bitte? (vee bi-te?) (چه گفتید؟ می‌شود یک بار دیگر تکرار کنید؟)

Macht nichts. (mâHt niHts.) (مشکلی نیست. / بی‌خیال.)

Nicht der Rede wert. (niHt dêr rey-de vêrt.) (اصلاً حرفش را هم نزن.)

Schade! (shah-de!) (خیلی بد شد! / حیف شد!)

So ein Pech! (zoh ayn pêH!) (بدشانسی!)

Viel Glück! (feel gluek!) (موفق باشی!)

Oder? (oh-der?) (مگر نه؟ / این‌طور فکر نمی‌کنی؟)

Bis dann! (bis dân!) (بعداً می‌بینمت!)

Bis bald! (bis bâlt!) (به‌زودی می‌بینمت!)